

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱/۲۸

مقاله پژوهشی

فصلنامه علمی عرفان اسلامی

سال نوزدهم، شماره ۷۴، زمستان ۱۴۰۱

DOR: [20.1001.1.20080514.1401.19.74.3.5](https://doi.org/10.20080514.1401.19.74.3.5)

## بررسی تطبیقی مراتب قیامت از دیدگاه سیدحیدر آملی و میرسیدعلی همدانی

سیروس مرادی<sup>۱</sup>

محمدابراهیم مالمیر<sup>۲</sup>

اسماعیل منصوریلاریجانی<sup>۳</sup>

### چکیده:

معاد و قیامت از موضوعات اساسی و مهم مورد توجه عرفای اسلامی است؛ در ادوار مختلف، عارفان محقق هریک به نحوی درباب حقیقت، انواع، مراتب، وچیستی آن سخن گفته‌اند. بر این اساس این پژوهش که به روش اسنادی صورت گرفته است به بررسی تطبیقی مراتب قیامت از منظر سی‌حیدر آملی و میرسیدعلی همدانی دو عارف بزرگ شیعی - قرن هشتم ه.ق - پرداخته است و به این نتیجه رسیده است که سیدحیدر برمبنای معرفت‌شناسی تثلیثی و مبانی هستی‌شناسی و انسان‌شناختی عرفانی، از دو منظر مراتب قیامت را مورد توجه، تحلیل و بررسی قرار داده و دو گونه تقسیم‌کرده و برای هر قسم، دوازده مرتبه ترسیم نموده است. میرسیدعلی نیز در ابتدا بر مبنای معرفت‌شناسی مربعی اسرار نقطه و عدد چهار، چهارمرتبه قیامت را ترسیم و تبیین می‌کند سپس بر مبنای معرفت‌شناسی تثلیثی و اطوار باطنی انسان سه قسم قیامت را تقسیم، تحلیل و بررسی می‌نماید.

سیدحیدر آملی به عنوان یک نظریه پرداز بزرگ عرفان شیعی در تحلیل مراتب قیامت، رویکرد نظری ایشان بر رویکرد عملی و سلوکی، غلبه مشهود دارد ولی رویکرد میرسیدعلی همدانی با توجه به پیر و مرشد بودن، بیشتر جنبه سلوکی، تربیتی و کاربردی دارد.

**واژگان کلیدی:** قیامت، صوری، معنوی، انفسی، سیدحیدر آملی، میرسیدعلی همدانی.

۱- دانشجوی دکتری تصوف و عرفان اسلامی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. نویسنده

مسئول: [dr\\_maalmir@razi.ac.ir](mailto:dr_maalmir@razi.ac.ir)

۳- دانشیار گروه عرفان اسلامی، دانشکده الهیات، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

## پیشگفتار

معاد و قیامت از اصول مسلم همه ادیان و از جمله دین اسلام است. گرچه اصل معاد و قیامت مورد قبول همه مذاهب اسلامی واصناف گوناگون عالمان دین است، اما با این وجود، نگرش‌های مختلفی درباره حقیقت و کیفیت آن در میان آنان وجود دارد. محدثین، مفسرین، متکلمین، فلاسفه و عرفا، هر یک بسته به مبانی و پیش‌فرض‌های متعدد خود، تبیین‌ها و تفسیرهای متفاوتی از قیامت ارائه داده و افق‌های جدیدی را پیش روی جامعه اسلامی گشوده‌اند. در این میان، عرفای اسلامی به جهت پرداختن به جنبه‌های معنوی و لایه‌های باطنی تعالیم اسلامی، از جایگاه رفیعی برخوردارند. در طول تاریخ عرفان اسلامی، عارفان بزرگی ظهور نموده و هر یک به نحوی پرده از اسرار معنوی مراتب وجود به‌ویژه قیامت برداشته‌اند.

در همین راستا، سیدحیدر آملی و میرسیدعلی همدانی به عنوان دو تن از عارفان بزرگ در تاریخ عرفان اسلامی در زمینه‌های مختلف به تبیین دیدگاه‌های عرفانی خویش پرداخته‌اند. یکی از موضوعاتی که این دو عارف محقق، مورد تفکر و تأمل قرار داده‌اند، مراتب قیامت است. طبعاً مباحث ایشان از جهاتی با هم مشترک و از جهاتی دیگر متفاوت می‌باشد. مطالعه تطبیقی موضوع در روشن‌تر شدن آراء و دستیابی به مبانی و نتایج نظری و عملی نظام فکری به منظور آگاهی از وجوه اشتراک و افتراق آن‌ها بسیار مفید می‌باشد. از همین رو، شایسته است با توجه به اینکه در عصر کنونی، اقبال مردم جهان به معنویات و امور غیبی و ملکوتی همواره روبه‌فزونی است، از سوی دیگر معنویت‌های نوظهور و عرفان‌های کاذب در حال ظهور و گسترش‌اند. در چنین فضای ابهام‌آلود و حیرت‌افزایی، عرضه آموزه‌ها و گنجینه‌های ناب عرفان اسلامی با رویکرد شیعی - به منظور تأمین نیازهای معنوی و عرفانی سالکان کوی محبوب ازلی و لم‌یزلی و تشنه‌کامان وادی معرفت و حقیقت - بسیار ضروری و رهگشا خواهد بود. ارائه آموزه‌های عرفانی اسلام با تأکید بر آراء سیدحیدر آملی و میرسیدعلی همدانی، می‌تواند گزینه‌ای مناسب جهت تحقق هدف مذکور تلقی گردد.

با توجه به مطلب فوق، این پژوهش به دنبال «بررسی تطبیقی مراتب قیامت از دیدگاه سیدحیدر آملی و میرسیدعلی همدانی» بوده تا از رهگذر مقایسه دیدگاه‌ها و مبانی فکری آنان، به نگرشی ژرف‌تر از مراتب قیامت از منظر عرفان شیعی نائل شویم و در پی پاسخ به این سؤال است که: حقیقت قیامت از دیدگاه سیدحیدر آملی و میرسیدعلی همدانی چه مراتبی دارد؟

هدف تحقیق حاضر عبارتند از: بررسی تطبیقی دیدگاه سیدحیدر آملی و میرسیدعلی همدانی درباره مراتب قیامت به منظور آگاهی از وجوه اشتراک و افتراق آن‌ها.

### پیشینه تحقیق

با بررسی آثار به چاپ رسیده در تحلیل اندیشه سیدحیدر آملی و میرسیدعلی همدانی، به پژوهشی با عنوان این مقاله برخورد نکردیم و این پژوهش در نوع خود کار نو و بدون سابقه است! اما در خصوص معاد و مبانی اعتقادی عرفا و صوفیه در این زمینه مقالات خوبی نوشته شده است که از آن جمله اند: بررسی قیامت تشکیکی از نگاه سیدحیدر آملی (حسینی؛ فرضعلی، ۱۳۹۳ش: ۵۷) و مرگ اختیاری از دیدگاه ابن سینا و سیدحیدر آملی (عباسی؛ مردانی، ۱۳۹۵ش: ۵۸).

### قیامت

رستاخیز و قیامت از اصول دین شرایع و حیانی و الهی است و یکی از مراحل معاد است. قیامت از ماده قیام، به معنای خیزش و برخاستن انسان از خاک و حضور در عالم پس از مرگ است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲: ۵۰۶)

حقیقت قیامت از منظر عرفا، با نگرش متکلمین و فلاسفه تفاوت بنیادین و ریشه‌ای دارد. از دیدگاه عرفان مسلمان، معاد به طور کلی به معنای بازگشت به سوی خدا از طریق رفع تعینات و ازاله قیودات و حجاب‌هایی است که انسان‌ها در قوس نزول و نهایتاً استقرار در حضرت ناسوت و نشأه طبیعت، بدان گرفتار شده‌اند. حقیقت انسان وقتی از مرتبه تعینات حقیقی (تعین اول یا مقام احدیت و تعین ثانی یا مقام واحدیت و اعیان ثابته) به مرتبه تعینات خلقی یا عالم کون (جبروت، ملکوت و ناسوت) تنزل می‌کند، مسانخ با هر عالم از عوالم نزولی، از نظر وجودی و تکوینی قیودات و تعیناتی می‌پذیرد تا اینکه در انتها در عالم ناسوت (طبیعت؛ ماده) که پایین‌ترین مرتبه از عوالم هستی و حضرات خمس است، قرار می‌گیرد. (ر.ک. قیصری، ۱۳۷۵: ۱۶۳، ۱۶۳، ۶۳۳؛ فناری، ۲۰۱۰: ۲۴۷، ۲۵۷)

در لسان عرفا، قیامت برانگیختن بعد از موت به سوی حیات ابدی است و دارای سه قسم صغرا، وسطا و کبرا می‌باشد. (کاشانی، ۱۴۲۶: ۶۶) به استناد حدیث شریف نبوی (ص) «مَنْ مَاتَ فَقَدْ قَامَتْ قِيَامَتُهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۸: ۷) قیامت صغرا، را مرگ طبیعی، و به اعتبار آیه کریمه «فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَةُ الْكُبْرَى» (النازعات: ۳۴) قیامت کبرا را به فنای کلی و به جهت وسط بودن رتبی بین موت طبیعی و فنای ذاتی و با توجه به حدیث «مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲: ۵۹) قیامت وسطا را به موت ارادی و اختیاری، تعبیر نموده‌اند؛ زیرا موت اختیاری، حد وسط موت طبیعی و فنای ذاتی است. (قیصری، ۱۳۷۵: ۱۵۲)

از دیدگاه سیدحیدر آملی حقیقت قیامت عبارت است از رجوع عالم، به همان مبدایی که از آن صدور و ظهور یافته‌است، که آن رجوع و بازگشت، به نحو صوری (ظاهری) و معنوی (باطنی) تحقق می‌یابد. «یوم القيامة عبارة عن رجوع العالم و ما اشتمل علیه مطلقاً إلى ما صدر منه صورة و معنى أی ظاهراً و باطناً فی مراتب الفناء الثلاث الّتی هی الصغری و الوسطی و الکبری آفاقاً و أنفساً». (آملی، ۱۴۲۲، ج ۶: ۷۳)

در این تعریف نکات مهم درخور دقت و تأمل وجود دارد که عبارتند از:

اول: حقیقت قیامت، نوعی «رجوع و بازگشت» است: «رجوع العالم».

دوم: این رجوع، به سوی «مبدأ» - خدای متعال - می‌باشد: «إلی ما صدر منه».

سوم: قیامت، پدیده‌ای عام و فراگیر است که همه «عالم» و نظام هستی را دربرمی‌گیرد: «العالم و ما اشتمل علیه مطلقاً».

چهارم: قیامت، صورت و معنایی دارد، که به وزان مراتب سه گانه فنا (صغرا، وسطا و کبرا) ظهور و تحقق می‌یابد: «صورة و معنى فی المراتب القیامات الثلاث».

پنجم: قیامت‌های سه‌گانه صغرا، وسطا و کبرا حاصل سه مرتبه از مراتب فنا است. «فی مراتب الفناء

الثلاث الّتی هی الصغری و الوسطی و الکبری

ششم: قیامت آفاقی و انفسی است. (آفاقاً و أنفساً)

نکته شایان ذکر آن که عرفا به‌طور عام و سیدحیدر آملی به‌طور خاص، نظام هستی را یک نظام دوری و دایره‌وار می‌دانند و معاد و قیامت را رجوع به مبدأ تبیین می‌کنند: «أنّ الوجود عندهم دوری لدور کلّ نقطة من الوجود الإصافی إلى مبدأه بعد الوصول إلى النهایة المقصودة منه لقوله جلّ ذکره: کما بدأنا أولَ خلقِ نعبده و عداً علینا إنا کُنّا فاعلین» (انبیاء / ۱۰۴). (آملی، ۱۴۲۲، ج ۵: ۲۵۹)

پس از تتبع در مجموعه آثار سیدعلی همدانی، عبارتی که وی در آن به‌طور دقیق در مقام تعریف قیامت برآمده‌باشد، یافت‌نشده. گفتنی است مباحث سیدعلی همدانی درباره معاد و قیامت، عمدتاً از صبغه عملی و سلوکی برخوردار می‌باشد. روش وی بدین گونه است که همّت اصلی خویش را به مباحث عملی و کاربردی مربوط به معاد مصروف می‌دارد تا بذر معادباوری را در قلب و جان مخاطبان خود بیفشاند. سیدعلی همدانی در برخی موارد صرفاً به بیان پاره‌ای از آثار و ویژگی‌های معاد و موت - به منزله مقدمه آن - می‌پردازد که بیشتر از صبغه عملی و انگیزشی برخوردارند. وی در رساله «خواص اهل باطن»، مرگ را رهایی مؤمن از زندان دنیا معرفی می‌نماید تا از این طریق، معاد و عوالم پس از مرگ را در نظر مردم، نوعی رهایی از تعلقات و محدودیت‌ها نشان‌دهد که بدان رغبت کنند: «والموت إطلاق المؤمن من السجن». (همدانی، خواص اهل باطن: ۲۵۱)

لازم به ذکر است از آن جهت که از دیدگاه عرفا موت انسان‌ها، قیامت صغری و باب ورود آن‌ها به عوالم برزخی و اخروی می‌باشد، شایسته‌است تا ابتدا حقیقت مرگ و اقسام آن را از دیدگاه میرسیدعلی همدانی مورد مطالعه و بررسی قرارگیرد.

سیدعلی همدانی برای موت دو قسم قائل است: موت ظاهری و موت حقیقی. موت ظاهری از دیدگاه او به معنای قطع علاقه نفس از بدن و انتقال نفس (روح) انسان از عالم دنیا به عالم برزخ است. «فالموت عبارة عن إنتقال العین من موطن الدنیا إلى موطن الأخری». (همدانی، شرح الأسماء الحسنی: ۳۴۷)

سیدعلی همدانی، در موضعی موت حقیقی را موت معنوی می‌نامد که در صورت حصول آن، انسان دیگر به اوصاف رذیله و حتی حمیده خویش نظر ندارد و چنان غرق در توحید می‌گردد که نگاه استقلال به خود ندارد و به مقامی بار می‌یابد که خدای متعال در او ظهور نموده به نحوی که ذات و صفات حق در او متجلی می‌گردد و از او جز افعال، صفات و آثار الهی صادر نمی‌شود: «من مات بالموت المعنوی ینقطع عنه جمیع أوصافه المذمومه والمحموده و یقوم الله تعالی مقامه فی جمیع الحالات فیقوم مقام ذاته ذات الله تعالی و مقام صفاته صفات الله تعالی و لذلك - قال النبی صلی الله علیه وآله وسلم: موتوا قبل أن تموتوا». (همدانی، رساله وجودیه: ۴۴۳)

### مراتب قیامت

داود قیصری مشهورترین پیرو و شارح مکتب ابن عربی در شرح نفیس خود بر فصوص الحکم شیخ اکبر، قیامت را نزد اهل معرفت متناسب با حضرات خمس به پنج قسم تقسیم می‌کند. ۱- قیامت لحظه به لحظه که برای همه موجودات در هر لحظه و آن روی می‌دهد، همچنان که در قوس نزول لحظه به لحظه از غیب به طرف شهادت و نیز در قوس صعود از شهادت به جانب غیب در حرکت‌اند. ۲- قیامت صغرا که مرگ طبیعی و غیرارادی و برپایی حیات شخصی است. ۳- قیامت وسطا که مرگ اختیاری و ارادی است. ۴- قیامت موعود که شامل همه خلائق می‌باشد. ۵- قیامت کبرا که رسیدن به مقام فناء فی الله و بقاء بالله است. (ر.ک. قیصری، ۱۳۷۵: ۱۳۰-۱۳۶)

سیدحیدرآملی و میرسیدعلی همدانی با توجه به مبانی هستی‌شناسی و انسان‌شناختی و همچنین شیوه سلوک طریقتی و عملی خویش، هریک به نوعی به مراتب قیامت پرداخته‌اند که در ذیل تبیین می‌شود.

### دیدگاه سیدحیدر آملی

با تتبع در آثار سیدحیدر این نتیجه حاصل می‌شود که از دو منظر مراتب قیامت را مورد توجه و تحلیل قرار داده و دو گونه تقسیم کرده و برای هر قسم، دوازده مرتبه ترسیم نموده‌است.

## دیدگاه اول:

در دیدگاه نخست سیدحیدر، قیامت یا آفاقی است یا انفسی. قیامت آفاقی نیز یا صوری است یا معنوی که با تقسیم بر سه قیامت صغرا، وسطا و کبرا، در مجموع شش قسم م شود. قیامت انفسی نیز به نوبه خود، یا صوری است یا معنوی که آن هم با تقسیم بر سه قیامت صغرا، وسطا و کبرا، شش قسم می شود. بدین صورت، قیامات بر دوازده قسم خواهند بود. وی به این تقسیم ندی چنین اشاره می کند:

«أن المعاد... فی المراتب القیامات الثلاث الّتی هی الصغری و الوسطی و الکبری آفاقا و أنفسا. و هی تصل بحسب التفصیل إلى اثنا عشر قیامة صوریة و معنویة، محتویة علی الصغری و الوسطی و الکبری، و ترتیب ذلک و هو أن یتبیر فی الأفاق ثلاث قیامات صوریة، و ثلاث قیامات معنویة، و کذلک فی الأنفس، فیکون اثنا عشر قیامة ضرورة». (آملی، ۱۳۸۲: ۳۱۵)

بر این اساس، می توان اقسام دوازده گانه را بدین ترتیب بر شمرد:

- ۱- قیامت آفاقی صوری صغرا
- ۲- قیامت آفاقی صوری وسطا
- ۳- قیامت آفاقی صوری کبرا
- ۴- قیامت آفاقی معنوی صغرا
- ۵- قیامت آفاقی معنوی وسطا
- ۶- قیامت آفاقی معنوی کبرا
- ۷- قیامت انفسی صوری صغرا
- ۸- قیامت انفسی صوری وسطا
- ۹- قیامت انفسی صوری کبرا
- ۱۰- قیامت انفسی معنوی صغرا
- ۱۱- قیامت انفسی معنوی وسطا
- ۱۲- قیامت انفسی معنوی کبرا.

سیدحیدر ادعا می کند تا پیش از وی، هیچیک از علما به چنین تقسیمی اشاره نکرده و دوازده مرتبه قیامت با دلایل نقلی، عقلی و شهودی به اثبات رسانده است. (ر.ک: آملی، ۱۴۲۲، ج ۶: ۷۳)

## قیامت آفاقی صوری صغرا

این نوع قیامت عبارت است از خراب شدن عالم دنیا و محسوسات؛ به این معنا که اجزاء مرکب موجودات، از یکدیگر متفرق شده و بسیط شوند. وی برخی از آیات قرآن را که بیانگر خراب شدن نظام ظاهری عالم دنیاست، شاهد این مدعا می داند. آیاتی از قبیل؛ کوه ها از جا کنده می شوند، زمین ها به لرزه درمی آیند، آب دریاها می جوشند و غیره:

«أما الصوريَّة المسماة بالصغرى فهي عبارة عن خراب عالم المحسوس و المركبات و رجوعه إلى البسائط كما كان لقوله تعالى: وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ\* وَإِذَا الْعُشَّارُ عَطَلَتْ\* وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ\* وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ\* (التكوير: ۳-۶)». (آملی، ۱۴۲۲، ج ۶: ۷۴)

### قیامت آفاقی صوری وسطا

این نوع قیامت به معنی بازگشت همان بسائط به هیولای اولی است که از قابلیت پذیرش صور اجسام برخوردار است: «يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السَّجِلِّ لِّلْكَتَبِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدَّا عَلَيْنَا إِنَّنَا كُنَّا فَاعِلِينَ». (انبیاء / ۱۰۴) وی در این باره می‌گوید:

«و أما الصوريَّة المسماة بالوسطی، فهي عبارة عن رجوع البسائط إلى الهيولى العنصريَّة الكلبيَّة القابلَّة للصور كلها لقوله تعالى: أَوَّلَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا [الأنبياء: ۳۰]». (آملی، ۱۴۲۲، ج ۶: ۷۴)

وی مراد از آسمان‌ها و زمین در آیه فوق را، عناصر اربعه و موالید ثلاثه می‌داند؛ زیرا آن‌ها در ابتدا شیء واحد یا همان هیولای واحدی بوده‌اند که سایر عناصر موجودات - اعم از بسائط و مرکبات - از آن‌ها نشأت گرفته و تکون یافته‌اند. (ر.ک. آملی، ۱۴۲۲، ج ۶: ۷۴)

### قیامت آفاقی صوری کبرا

مراد سیدحیدر آملی از این قسم از قیامت آن است که عالم اجسام با همه آنچه که در آن است، به جوهری که در ابتدا از آن جوهر پدیدآمده بازگردد. وی برای این جوهر چند اسم ذکر می‌کند از قبیل «هیولای کلیه»، «جوهر اول»، «هباء» و «ماده» ای که خدای متعال صورت عالم را از آن خلق نموده و ظاهر کرده است.

وی برای این مدعای خود به حدیثی از پیامبر اکرم (ص) استشهد می‌جوید مبنی بر اینکه خداوند جوهری را خلق فرمود که وقتی بدان نظر کرد، آن جوهر از هیبت و عظمت نظر الهی ذوب گشت به گونه‌ای که نیمی از آن به آب تبدیل شد و نیمی دیگر به آتش. سپس از آن آب، آسمان‌ها خلق شدند و از آن آتش، زمین خلق شد. وی در ادامه، به آیه‌ای قرآن نیز استناد می‌کند:

«و أما الصوريَّة المسماة بالكبرى، فهي عبارة عن رجوع عالم الأجسام كلها إلى جوهر ظهر منها ابتداء المسماة عند البعض بالهيولى الكلبيَّة و عند البعض بالجواهر الأوَّل و عند البعض بالهباء و المادة التي فتح الله منها (فيها) صور العالم لقول النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ «: خَلَقَ اللهُ تَعَالَى جَوْهْرَةً فَنَظَرَ إِلَيْهَا فَذَابَتْ مِنْ هَيْبَتِهِ فَصَارَتْ نِصْفَهَا مَاءً وَ نِصْفَهَا نَارًا فَخَلَقَ مِنَ الْمَاءِ السَّمَاوَاتِ وَ مِنَ النَّارِ الْأَرْضَ». (آملی، ۱۴۲۲، ج ۶: ۷۵)

## قیامت آفاقی معنوی صغرا

برای فهم این نوع از قیامت ابتدا باید دانست که سیدحیدر، نفوس را به طور کلی بر دو قسم می‌داند: نفس کلی واحد، و نفوس جزئی متعدّد و متکثر. نفوس انسانی همان نفوس جزئی متعدّد هستند که پس از مرگ، به نفس واحد کلی می‌پیوندند که از این پیوند، به زوجیت و مزدوج شدن تعبیر می‌شود. وی این نگرش خود را از پاره‌ای از آیات قرآن کریم استنباط نموده‌است. بنابراین این قسم از معاد عبارت است از عود و رجوع نفوس جزئی انسانی به روح کلی واحد:

«و أما المعنویة المسماة بالصغری، فهي عبارة عن عود النفوس إلى الأرواح المجردة كما نزل عنه بالمراتب والتدرج. و إليه الإشارة بقوله: وَإِذَا النُّفُوسُ رُوِّجَتْ [التکویر: ۷]. و هذه النفوس تكون جزئیات و تكون ترویجها (رجوعها) إلحاقها بالکلیات منها كقوله تعالى: يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ \* ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً [الفجر: ۲۷ و ۲۸]. و أما الکلیات فهي عبارة عن نفس واحدة بالنوع متکثرة بالشخص لقوله تعالى فيها: يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ بَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ نِسَاءً [النساء: ۱]. لأن المراد في هذه الآية بالوحدة: النوع، و بالث و الرجال و النساء: الأشخاص كما أشرنا إليها. و النفوس الإنسانیة بحسب الشخص أربعة: أمارة، و لوامة، و ملهمة، و مطمئنة، و قد یسمى الحکیم: نباتیة، و حیوانیة، و نفسانیة، و إنسانیة، أو النفوس الفلکیة السماویة و الأرضیة الجنیة و حیوانیة». (املی، ۱۴۲۲، ج ۶: ۷۵ و ۷۶)

همان طور که در عبارات فوق مشاهده می‌شود، مطابق برداشت سیدحیدر از آیات مذکور، از یک سو درباره «نفوس» انسان‌ها، مسئله «زوجیت» مطرح شده‌است: «وَ إِذَا النُّفُوسُ رُوِّجَتْ» [التکویر: ۷]. پس این نفوس باید با حقیقتی دیگر، به نوعی زوج و جفت شوند. از سوی دیگر، طرف این زوجیت، حقیقت واحدی است که نفوس در ابتدا از آن پدید آمده و ظهور یافته‌اند و نهایتاً نیز باید به همان نفس یا حقیقت واحد بازگردند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» [النساء: ۱].

## قیامت آفاقی معنوی وسطا

از دیدگاه سیدحیدر، این مرحله از قیامت عبارت است از بازگشت همه ارواح و نفوس به عالم عقول مجرد. وی درباره این مدعای خود، به چند آیه از آیات قرآن کریم استشهد می‌جوید:

«أما المعنویة المسماة بالوسطی، فهي عبارة عن عود الأرواح و النفوس کلها إلى عالم العقول المجردة كما نزل منه لقوله تعالى: تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ [المعارج: ۴]. [و لقوله: قَالَ اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَ مَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ [الأعراف: ۲۴]. [و قوله تعالى: فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ [ص: ۷۲]]. (املی، ۱۴۲۲، ج ۶: ۷۷)



## قیامت آفاقی معنوی کبرا

قیامت آفاقی معنوی کبری بدین صورت است که عقول جزئیة انسان ها به عقل اول کلی که بدون واسطه از حق متعال صادر شده است، بازگردند:

«و أما المعنویة المسماة بالكبری، فهي عبارة عن عود العقول الجزئیة كلها إلى العقل الأول الكلی المشار إليه في قوله: «أول ما خلق الله العقل» (.....). الذی هو موجود صدر من الحق تعالی جلّ جلاله بغير واسطه أحد و صار واسطه للكل». (آملی، ۱۴۲۲، ج ۶: ۷۸)

## قیامت انفسی صوری صغرا

این قسم از قیامت که همان موت صوری و ظاهری است، به گونه ای می باشد که انسان با فرارسیدن آن، از بدن مادی و عنصری و به طور کلی از عالم طبیعت رها و وارد عالم برزخ (قبر) می شود. این موت، همان موت طبیعی است و نه موت ارادی برای برخی از انسان ها حاصل می شود. سیدحیدر، این نوع از قیامت را چنین به تصویر می کشد: «فالثلاثة الأنفسیة الصوریة: الصغری منها عبارة عن خلاص الشخص من حجاب البدن و النشأة الدنیویة بالموت الطبیعی دون الإرادی، لقول النبی (ص): «من مات فقد قامت قیامته». (آملی، ۱۳۸۲: ۳۷۷)

حشر انسان در این قسم از قیامت، ورود و ماندنش در عالم برزخ است. قرآن کریم به وجود عالمی ورای این عالم ماده که به محض فرارسیدن مرگ، برای انسان ظاهر و قابل مشاهده می شود، تصریح نموده است: «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ \* لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ». (مؤمنون ۹۹ و ۱۰۰)

اموات در عالم برزخ بسته به اعمالی که در دنیا انجام داده اند، یا متنعم خواهند بود و یا معذب. این عالم پس از دنیا که مردگان بلافاصله وارد آن می شوند تا بخشی از سزای اعمال خود را مشاهده کنند، در لسان شرع قبر هم نامیده شده است. این عالم بسیار بسیار وسیع است و شامل برازخ می شود؛ یعنی داخل آن اطوار و مراحل و برزخ های فراوانی وجود دارد که جز خدا کسی تعداد و کیفیت آن ها را نمی داند. عرفا این عالم برزخ را حداقل به دو بخش تقسیم نموده اند: عالم مثال کبیر و عالم مثال صغیر: «و حشره هو مکنه فی عالم البرزخ إلى یوم البعث الأكبر لقوله تعالی: وَ مِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ [المؤمنون: ۱۰۰]. و هذا العالم فی الشرع موسوم بالقبر لقوله صلی الله علیه و اله:

«القبر إما روضة من ریاض الجنة و إما حفرة من حفر النیران» (...). الناس فی هذا العالم متنعمین و معذبین علی حسب درجاتهم و طبقاتهم». (آملی، ۱۴۲۲، ج ۶: ۸۱)

وی در انتهای بحثی که درباره این قسم از قیامت می کند، آن را بدین صورت خلاصه می کند: قیامت صغرا عبارت است از، موت صوری و جدایی از نشئه دنیا و نزول شخص در اولین منزل.

«القیامه الصغری عبارة عن الموت الصوری و المفارقة عن النشأة الدنیویة و نزول الشخص من أول منزل». (آملی، ۱۴۲۲، ج ۶: ۸۴)

سیدحیدر در موضعی دیگر، این قیامت را به استناد روایتی از پیامبر اکرم (ص) رهایی شخص از حجاب بدن و عالم دنیا با مرگ طبیعی (نه مرگ ارادی) می‌داند:

«الصغری منها عبارة عن خلاص الشخص من حجاب البدن و النشأة الدنیویة بالموت الطبیعی دون الإرادی، لقول النبی صلی الله علیه و اله: «من مات فقد قامت قیامته»». (آملی، ۱۳۸۲: ۳۷۷)

### قیامت انفسی صوری وسطا

در این قیامت انسان که در عالم برزخ وارد شده است، در مرتبه‌ی علیای عالم برزخ وارد می‌شود؛ زیرا برزخ دارای مراتب و مدارج گوناگون است که در یک تقسیم‌بندی کلی به برزخ سفلی و علیا یا مبدائی و منتهایی تقسیم می‌شود: «و هذا العالم عالم وسیع عظیم واقع بین الدنیا و الآخرة، أو الظاهر و الباطن و البرازخ کثیرة، و المعتبر البرزخین: الأول المبدائی و الآخر المنتهائی الذی هو هذا، و قد یسمی الأول بعالم المثال الكبير و الثاني المثال الصغير، أو المطلق و المقید و غیر ذلك». (آملی، ۱۴۲۲، ج ۶: ۸۱)

پس قیامت در این مرتبه، ورود نفوس به برزخ علیا و منتهایی پیش از قیامت کبراست، تا در بالاترین شکل و شدت، نتیجه‌ی اعمال، خلیات و افکار خود را مشاهده کنند و پس از رهایی از عالم ملک و دنیا، شخص در عالم ارواح ملکوتی بقاء می‌یابد:

«و أمّا الصوریة المسماة بالوسطی، فهي عبارة عن بقاء الشخص فی عالم الأرواح الملکوتیة بعد خراب الملك المسمی بالدنیا». (آملی، ۱۴۲۲، ج ۶: ۸۴)

### قیامت انفسی صوری کبرا

این قسم از قیامت که سیدحیدر آن را «طامة کبری» - که در قرآن کریم اشاره شده - نامیده، عبارت است از اینکه همه مردم پس از برزخ، در آخرت در زمین گسترده‌ای از جنس همان عالم، جمع می‌شوند تا اهل بهشت و دوزخ از یکدیگر جداگردند:

«و أمّا الصوریة المسماة بالکبری فهي عبارة عن حشر الكل فی عرض الساهرة عند الطامة الکبری لأجل الفصل و التمییز و تقسیم أهل الجنة و النار لقوله تعالی: قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ \* كَمَجْمُوعُونَ إِلَى مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ [الواقعة: ۵۰]». (آملی، ۱۴۲۲، ج ۶: ۸۴)

وی در موضعی دیگر، همین مطلب را چنین بیان می‌کند:

«و الکبری منها، عبارة عن يوم القيامة الكبرى المعبر عنها ب «الطامة الكبرى» [النازعات: ۳۴]، و حضوره بأرض الساهرة لقوله تعالى: «وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا» [الكهف: ۴۷]. ليصل إلى مقامه المعين له إما في الجنة أو في النار، و الله أعلم و أحكم». (آملی، ۱۳۸۲: ۳۷۸)

#### قیامت انفسی معنوی صغرا

سیدحیدر این مرتبه از قیامت را موت ارادی می‌داند که انسان با اراده خویش، از نفسانیت و آنانیّتش بمیرد و بر هوای نفس خود غلبه کند، پیش از اینکه او را به اجبار بمیرانند. (ر.ک. آملی، ۱۴۲۲، ج ۶: ۸۷)

«و أمّا المعنویة المسماة بالصغری فهی عبارة عن الموت الإرادی الإختیاری بحکم قول نبینا صلی الله علیه و اله: «موتوا قبل أن تموتوا». و معناه موتوا بالإرادة قبل أن تموتوا بغير الإرادة التي هی الموت الطبيعي الوارد على الشخص بغير إرادته». (آملی، ۱۴۲۲، ج ۶: ۸۴ و ۸۵)

#### قیامت انفسی معنوی وسطا

از دیدگاه سیدحیدر آملی، قیامت انفسی معنوی وسطا عبارت است از اینکه انسان نفس خود را از اخلاق ذمیمه و ملکات نفسانی رذیله پاک‌گرداند و به اخلاق حمیده و ملکات فاضله بیاراید. اینکه انسان اخلاق رذیله را از صحیفه نفس خود ازاله کند، نوعی موت و قیامت است؛ یعنی مرتبه‌ای از نفسانیت انسان می‌میرد، پس از آن، انسان حیات می‌یابد. با ازبین رفتن اوصاف زشت اخلاقی، مرتبه‌ای از موت در وجود انسان تحقق می‌یابد، و در پس هر موتی، مرتبه‌ای از حیات، حشر و قیامت وجود دارد. همین حیات جدید انسان که به واسطه تحقق اوصاف نیکوی اخلاقی پدیدآمده، قیامت انفسی معنوی وسطای انسان است که البته همه انسان‌ها بدان نائل نمی‌گردند: «و أمّا المعنویة المسماة بالوسطی فهی عبارة عن موت الإنسان عن الأخلاق الذمیمة و الملكات الرذیة المهلکة لیحیی بالأخلاق الحمیده و الملكات الفاضلة الکریمة». (آملی، ۱۴۲۲، ج ۶: ۸۹ و ۹۰)

#### قیامت انفسی معنوی کبرا

این مرتبه از قیامت عبارت است از اینکه انسان فانی در حق شود؛ یعنی از آنانیّت خویش بمیرد و به مقام «توحید ذاتی» بار یابد. کسی می‌تواند چنین قیامتی داشته‌باشد که فانی در حق و برخوردار از مقام توحید ذاتی باشد؛ یعنی از شرک و کثرت‌بینی در مقام فعل، صفات و ذات رها شده‌باشد و ذوات همه موجودات را، ظهور ذات واحد حق تعالی ببیند و به آن‌ها نگاه استظلالی داشته‌باشد. این مقام از طریق قرب نوافل برای عارف حاصل می‌شود.

«و أمّا المعنویة المسماة بالكبری فهی عبارة عن فناء العبد فی الربّ و بقائه به و لقوله القدسی: «لا یزال العبد یتقرّب إلیّ بالنوافل حتّیّ أحبّه فإذا أحبّته كنت سمعه و بصره و لسانه و یده و رجله».) (أملی، ۱۴۲۲، ج ۶: ۹۸ و ۹۹)

#### دیدگاه دوم سیدحیدر

از منظر سیدحیدر قیامت در تقسیم دوم صوری یا معنوی است. هریک از این دو یا مربوط به اهل طریقت یا اهل حقیقت است و هر یک از آن ها صغرا، وسطا یا کبراست. (ر.ک. آملی، ۱۳۸۲: ۱۱۳). معیار این تقسیم بندی، صوری، معنوی، اهل طریقت، اهل حقیقت، قیامت های سه گانه است که اقسام آن به شرح ذیل است:

۱- قیامت صغرای صوری اهل طریقت ۲- قیامت وسطای صوری اهل طریقت ۳- قیامت کبرای صوری اهل طریقت ۴- قیامت صغرای صوری اهل حقیقت ۵- قیامت وسطای صوری اهل حقیقت ۶- قیامت کبرای صوری اهل حقیقت ۷- قیامت صغرای معنوی اهل طریقت ۸- قیامت وسطای معنوی اهل طریقت ۹- قیامت کبرای معنوی اهل طریقت ۱۰- قیامت صغرای معنوی اهل حقیقت ۱۱- قیامت وسطای معنوی اهل حقیقت ۱۲- قیامت کبرای معنوی اهل حقیقت

#### قیامت صغرای معنوی اهل طریقت (موت ارادی)

منظور از آن بیداری و قیام بعد از موت ارادی و اختیاری به استناد حدیث شریف نبوی (ص) «موتوا قبل أن تموتوا» و با توجه به سخن حکیم افلاطون «مت بالإرادة تحیی بالطبیعة». (أملی، ۱۳۸۲: ۳۳۱)

#### قیامت وسطای معنوی اهل طریقت

عبارت است از موت انسان از اخلاق ذمیمه، ملکات ردیه و صفات قبیحه و زنده شدن به اخلاق حمیده، ملکات کریمه و صفات جمیله. (أملی، ۱۳۸۲: ۳۳۸)

#### قیامت کبرای معنوی اهل طریقت

عبارت است از موت انسان از غیر حق (ماسوی الله) به عبارت دیگر؛ فنای سالک در حق و بقای او به حق که از آن به فنای توحیدی و قرب نوافل تعبیر می شود. (أملی، ۱۴۲۲: ۳۵۵)

#### قیامت صغرای معنوی اهل حقیقت

عبارت است از فنای افعالی و رسیدن به مقام مشاهده فاعل یکتای علی الاطلاق (أملی، ۱۳۸۲: ۳۶۰)

### قیامت وسطای معنوی اهل حقیقت

عبارت است از فنای صفاتی و باریابی به مقام مشاهده صفات یکتای ساری در کل هستی. (آملی، ۱۳۸۲: ۳۶۷)

### قیامت کبرای معنوی اهل حقیقت

عبارت است از مشاهده بقای ذوات کل موجودات به ذات حق تعالی بعد از فناء عرفانی نه فناء عیانی. (آملی، ۱۴۲۲: ۳۷۰)

از مجموع دوازده قسم قیامات، سیدحیدر شش قسم معنوی آن را تبیین نموده و از پرداختن به مراتب صوری قیامت صرف نظر نموده است. به نظر می‌رسد با توجه به اینکه عارف سالک به دنبال مراتب باطنی حقایق هستی است سیدحیدر از پرداختن به قیامت های صوری در این مجال خودداری نموده است. با تدبیر در تقسیم دوم سیدحیدر درمی‌یابیم که مبنای ایشان در قیامات اهل طریقت، اطوار باطنی انسان از جمله نفس و حالت‌های آن است و در قیامات اهل حقیقت فنای نفس سالک در مراتب سه-گانه فنای فعلی، وصفی و ذاتی است.

### دیدگاه میرسیدعلی همدانی

در منظومه هستیشناسی میرسیدعلی همدانی، دو نوع تقسیم برای مراتب قیامت صورت گرفته است نخست به اعتبار مراتب چهارگانه حیات و دوم به اعتبار اطوار سه‌گانه انسان.

### دیدگاه نخست میرسیدعلی

از این منظر، مراتب چهارگانه حیات (صوری، معنوی، طیبیه و حقیقی) قیامت نیز چهار مرتبه دارد. از آنجا که هر مرتبه از حیات غایت دارد به همین سبب متناظر با هریک از حیات‌های چهارگانه قیامتی متصور است.

«مراتب حیات در نزد اهل کشف چهار [قسم] است: حیات صوری، حیات معنوی، حیات طیبیه و حیات حقیقی، و در مقابل آن‌ها، مراتب مرگ و انواع قیامت‌ها نیز چهار است: قیامت صغرا، وسطا، عظما و کبرا.» (همدانی، ۱۳۸۸: ۵۶)

### قیامت صغرا

قیامت صغرا پس از حیات جنینی و حیات دنیوی (عالم حسی) برپایی شود که نزد اهل کشف و عرفان «یوم النشور» (فاطر، ۹) نامیده می‌شود و نهایت سیر عالم حسی است. کسی که از تنگنای قبر رحم

مادر بیرون آمده و در مواقف حوادث عالم حسی فرودآید وی از صاحبان حیات صوری در قیامت صغراست. (همدانی، ۱۳۸۸: ۵۹-۵۸)

### قیامت وسطا

قیامت وسطا؛ رهایی از موانع عالم شهوات و رسیدن به معقولات و تمیز میان حق و باطل است. این مرتبه از ظهور قیامت از آن اهل حیات معنوی می‌باشد. و این‌طور را «یوم الفصل» (مرسلات، ۱۳) نامند. (همدانی، ۱۳۸۸: ۵۹)

### قیامت عظاما

این مرتبه از قیامت نهایت سیر معرفتی، کشف، تزکیه و طهارت و خاص اهل حیات طیبه ایمانی است. این‌طور در نزد اهل حقیقت و عارفان «یوم الجمع» (تغابن، ۹) نامیده می‌شود. (همدانی، ۱۳۸۸: ۵۹)

### قیامت کبرا

منتهی درجات کمال سالک مجذوب و طی درجات فنا و باریافتن به عالم بقاء بالله و تمکین صاحبان حیات حقیقی، قیامت کبراست. این مرتبه در لسان حضرت قرآن «یَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ» (طارق، ۹) نامیده می‌شود. (همدانی، ۱۳۸۸: ۵۹)

از آنجا که سیدعلی عارفی مسلمان شیعی و پایبند به ظواهر شرعی و آیات ربانی و روایات نبوی و ولوی است در تبیین مراتب قیامت می‌کوشد نوعی تطبیق میان حقایق و لطائف عرفانی با آیات قرآن کریم ایجاد نماید، به همین جهت می‌توان گفت مراتب قیامت از نگاه عرفانی میرسیدعلی منطبق بر آیات قرآنی عبارتند از: نشور، یوم الفصل، یوم الجمع و یوم تبلی السرائر.

### دیدگاه دوم سیدعلی

در قسم دوم قیامت، میرسیدعلی با عنایت به اطوار سه‌گانه نفس، قلب و روح و وجوه ثلاثه فعل، صفت و ذات انسان، سه قسم قیامت صغرا، وسطا و عظاما را تبیین می‌نماید.

### قیامت صغرا

این مرتبه از قیامت، از آن صاحبان جنت افعال است که افعال آن‌ها در افعال حق فانی شده است. پس اهل قیامت صغرا، راکبان مرکب نفوس زکیه در وادی افعال‌اند و در غیب عالم مثال محشور می‌شوند. (همدانی، ۱۳۸۸: ۵۰-۴۶)

## قیامت وسطا

این مرتبه از قیامت، از آن صاحبان جنت صفات است که صفات آن‌ها در صفات حق فانی شده‌است. پس اهل قیامت وسطا، کسانی هستند که در امواج دریای خروشان عالم صفات به‌وسیله کشتی‌های قلوب طاهره شناورند و در غیب عالم ملکوت محشور می‌شوند (همدانی، ۱۳۸۸: ۵۰-۴۶)

## قیامت کبرا

این مرتبه از قیامت، از آن صاحبان جنت ذات است که ذات آن‌ها در ذات حق فانی شده‌است. پس اهل قیامت کبرا، بزرگ عارفانی هستند که در اوج فضای بی‌منتهای هویت ذاتیه حق، با بال‌های ارواح قدسیه طیران می‌نمایند و در غیب عالم جبروت محشور می‌شوند. (همدانی، ۱۳۸۸: ۵۰-۴۶)

بنابراین هر یک از مراتب قیامت‌های ثلاثه، حاصل مرتبه‌ای از بینش توحیدی و سلوک طریقتی اهل اسلام، ایمان و احسان است. به عبارت دیگر، مراتب قیامت افعال، صفات و ذات، ثمره اقسام فنا و ظهور و جوه سه‌گانه توحید است.

از دیدگاه سیدحیدر آملی، جنت افعال، «جنت نفس» نام دارد. (آملی، ۱۴۲۲، ج ۶: ۱۰۲) جنت صفات، «جنت قلب» نامیده می‌شود. (آملی، ۱۳۸۲: ۳۶۶) و جنت ذات، «جنت روح» خوانده می‌شود. (آملی، ۱۳۸۲: ۳۶۶) و هر یک از آن‌ها، در اثر وصول به مرتبه‌ای از توحید، تحقق می‌یابد.

## تحلیل و بررسی

با تحلیل و بررسی قیامت در آثار سیدحیدر آملی و میرسیدعلی همدانی درمی‌یابیم که هر یک از آن‌ها بر اساس مبانی هستی‌شناسی و انسان‌شناختی به تعریف و تقسیم مراتب قیامت پرداخته‌اند که نتایج و آثار مهم و شایانی به‌دست‌داده‌اند سیدحیدر آملی بر مبنای وجودشناسی عرفانی نظام هستی را دوری و دایره‌وار می‌داند، وی ابتدا تعریف جامعی از معاد و قیامت - رجوع و بازگشت همه عالم به مبدأ - ارائه می‌کند سپس از دو منظر قیامت را مورد توجه قرار داده و دو گونه تقسیم کرده و برای هر قسم دوازده مرتبه ترسیم نموده‌است که مجموعاً بیست و چهار قسم می‌شود.

در دیدگاه و منظر نخست سیدحیدر، قیامت یا آفاقی است یا انفسی؛ قیامت آفاقی نیز یا صوری است یا معنوی؛ که با تقسیم بر سه قیامت صغرا، وسطا و کبرا در مجموع شش قسم می‌شود. قیامت انفسی نیز به نوبه خود صوری است یا معنوی؛ که آن هم با تقسیم بر سه قیامت صغرا، وسطا و کبرا شش قسم می‌شود. بدین صورت قیامت بر دوازده قسم خواهند بود، که به ترتیب به تعریف و تبیین آن می‌پردازد. سیدحیدر ادعا می‌کند که تا پیش از وی هیچ یک از علما به چنین تقسیمی اشاره‌نموده و تنها او موفق شده با دلائل نقلی، عقلی و شهودی دوازده مرتبه قیامت به اثبات برساند؛ البته ادعای ایشان مطابق با واقع است.

## دیدگاه و منظر دوم سیدحیدر

قیامت یا صوری است یا معنوی؛ هریک از این دو یا مربوط به اهل طریقت است یا اهل حقیقت؛ که هریک از آن‌ها صغرا، وسطا و کبراست که مجموعاً دوازده قسم می‌شود. سیدحیدر شش قسم معنوی آن را تعریف و تبیین نموده‌است و از پرداختن به مراتب صوری قیامت صرف‌نظر نموده‌است؛ اینکه دلیل این کار چه بوده است؟ به نظر می‌رسد با توجه به این‌که عارف سالک به دنبال مراتب باطنی حقایق هستی است ایشان نیز از پردازش قیامت‌های صوری در این مجال خودداری کرده‌است.

با تعمق و تدبر در دیدگاه‌های سیدحیدر درمی‌یابیم که اولاً تقسیمات مراتب قیامت بر مبنای وجودشناسی انسان شناختی عرفانی صورت گرفته‌است، ثانیاً در تعریف و تبیین اقسام قیامت به آیات کریمه قرآن و روایات نبوی و ولوی استناد شده‌است.

ثالثاً، محور تقسیم در دیدگاه اول آفاق (عالم کبیر) و انفس (عالم صغیر) است اما در دیدگاه دوم محور تقسیم اهل طریقت و حقیقت است؛ رابعاً تعریف و تقسیم قیامت از جامعیت و دقت خاصی برخوردار است: قیامت آفاقی و انفسی؛ صوری، معنوی؛ اهل طریقت و اهل حقیقت؛ صغرا، وسطا و کبرا. خامساً در دیدگاه اول و دوم در میان بعضی از اقسام تناظر وجود دارد که عبارتند از: الف) قیامت انفسی صغرا در دیدگاه اول با قیامت صغرای معنوی اهل طریقت در دیدگاه دوم متناظر است.

ب) قیامت انفسی معنوی وسطا در دیدگاه اول با قیامت وسطای معنوی اهل طریقت در دیدگاه دوم متناظر است.

ج) قیامت انفسی معنوی وسطا در دیدگاه اول با قیامت کبرای معنوی اهل طریقت در دیدگاه دوم متناظر است.

د) قیامت انفسی معنوی کبرا در دیدگاه اول با قیامت کبرای معنوی اهل حقیقت در دیدگاه دوم متناظر است.

ه) قیامت انفسی معنوی کبرا در دیدگاه اول با قیامت صغرای معنوی اهل حقیقت در دیدگاه دوم متناظر است.

و) قیامت انفسی معنوی وسطا در دیدگاه اول با قیامت وسطای معنوی اهل حقیقت در دیدگاه دوم متناظر است.

ز) قیامت انفسی معنوی کبرا در دیدگاه اول با قیامت کبرای معنوی اهل حقیقت در دیدگاه دوم متناظر است.

همان‌طور که می‌بینیم دلیل تناظر اقسام مذکور این است که قیامت انفسی معنوی برای سالکین اهل طریقت و اهل حقیقت برپا می‌گردد اما دلیل عدم تناظر سایر اقسام در دو دیدگاه، عدم وجود قدر مشترک میان آن‌ها می‌باشد، زیرا در دیدگاه اول محور تقسیم، آفاق و انفس است اما در دیدگاه دوم



محور تقسیم طریقت و حقیقت است. بنابراین اقسام قیامت انفسی در دیدگاه اول با طریقت و حقیقت متناظرند در حالی که برای اقسام قیامت آفاقی دیدگاه اول در اقسام قیامت دیدگاه دوم تناظری وجود ندارد.

با تدبیر در تقسیم دوم سیدحیدر درمی یابیم که مبنای ایشان در قیامات؛ اهل طریقت و اطوار باطنی انسان (که یکی از آن‌ها نفس است) می باشد؛ و در قیامت اهل حقیقت، فنای نفس سالک در مراتب سه گانه افعالی، صفاتی و ذاتی مد نظر می باشد.

در منظومه هستی شناسی میرسیدعلی دو نوع تقسیم برای مراتب قیامت صورت گرفته است؛ در تقسیم نخست به اعتبار ویژگی‌ها و خصوصیات نقطه که هیولا و ماده صورت‌های حروف و کلمات است به تبیین حقایق اسرار نقطه که به تعبیر خویش خداوند بر باطن و سرش وارد کرده می پردازد و می گوید نقطه دو قسم حرکت دارد، دوری و مستقیم؛ حرکت مستقیم به هر طرفی از جهات چهارگانه باشد، تمام نمی شود مگر با سه نقطه متوالی غیر از نقطه اصلی مرکزی و اهل کشف و عرفان به دو جهت عدد چهار را بر غیر آن انتخاب نموده اند، اول به دلیل اینکه عدد چهار اصل در بساطت عددی است و بساطت پایه ترکیب اعداد نامتناهی هستند، جهت دیگر امور کارگاه آفرینش بر روی چهار پایه استوار است زیرا حاملان عرش الهی چهار نفرند؛ نظام عالم از چهار عنصر تشکیل شده است: آب، خاک، آتش و باد؛ طبایع انسان چهار عدد است: رطوبت، حرارت، برودت و بیوست؛ اطوار عمر انسان چهار است: کودکی، جوانی، کهولت و پیری؛ جهات عالم چهار است: مشرق، مغرب، شمال و جنوب؛ جهات نفوذ شیطان در انسان چهار است: راست، چپ، جلو و عقب؛ اسماء الهیه که ارکان تصرفات ایجادی حق و پایه صدور تدبیرات کونیه و قوایم اصول کرسی مملکت فردانیت و یکتایی حقانند چهار است که عبارتند از: حی، عالم، مرید و قادر؛ فرشتگانی که مظاهر کلیه اجمالیه و مدبرات ربانیه در عالم هستی هستند چهار نفرند که عبارتند از: جبرئیل، اسرافیل، میکائیل و عزرائیل که هر یک مظهر یکی از اسماء چهارگانه حق می باشند.

میرسیدعلی بر مبنای اسرار نقطه های چهارگانه و به اعتبار مراتب چهارگانه حیات صوری، معنوی، طیبیه و حقیقی در نزد اهل کشف و عرفان که هر کدام غایتی دارند و در مقابل آن‌ها مرگ نیز چهار مرتبه دارد و متناظر با آن‌ها چهار قسم قیامت تعریف و تبیین می نماید که عبارتند از: قیامت صغرا، قیامت وسطا، قیامت عظما و قیامت کبرا. از آنجا که میرسیدعلی عارفی مسلمانان شیعی و معتقد به ظواهر شرعی و آیات قرآنی و روایات نبوی و ولوی است در تبیین مراتب قیامت می کوشد نوعی تطبیق میان حقایق و لطائف عرفانی با آیات کریمه و حیانی ایجاد نماید به همین جهت می توان گفت مراتب قیامت از نگاه عرفانی او و منطبق بر تعبیر قرآنی عبارتند از: نُشور، یوم الفصل، یوم الجمع و یوم تُبلی السرائر.

در دیدگاه دوم، میرسیدعلی با عنایت به مراتب سه‌گانه نفس، قلب و روح و وجوه ثلاثه فعل، صفت و ذات انسان سه قسم قیامت صغرا، وسطا و عظما را ترسیم و تبیین می‌نماید که حاصل مرتبه‌ای از بینش توحیدی و سلوک‌طریقتی اهل اسلام، ایمان و احسان است، به عبارت دیگر مراتب قیامت افعال، صفات و ذات ثمره اقسام فنا و ظهور وجوه سه‌گانه توحید است.

با مقایسه دیدگاه اول و دوم میرسیدعلی، تناظرات اقسام قیامات بدین شرح است:

(الف) قیامت وسطا در دیدگاه اول با قیامت صغرا در دیدگاه دوم متناظر است.

(ب) قیامت عظما در دیدگاه اول با قیامت وسطا در دیدگاه دوم متناظر است.

(ج) قیامت کبری دیدگاه اول با قیامت عظما در دیدگاه دوم متناظر است.

بامقایسه دیدگاه‌های دو‌گانه دو عارف بزرگ شیعه در مراتب قیامت وجوه اشتراک و افتراق و امتیازات هریک بر دیگری مشخص می‌شود از حیث مبنا، مبنای سیدحیدر در تقسیم مراتب قیامت، معرفت‌شناسی تثلیثی (شریعت، طریقت و حقیقت؛ نبوت، رسالت و ولایت؛ اسلام، ایمان و احسان؛ صغرا، وسطا و کبرا) است یعنی هر چیز را بر سه پایه تبیین می‌کند در حالی که میرسیدعلی در دیدگاه نخست بر مبنای معرفت‌شناسی مربعی اسرار نقطه و عدد چهار مراتب قیامت را تقسیم می‌نماید (قیامت صغرا، قیامت وسطا، قیامت عظما و قیامت کبرا). اما در دیدگاه دوم بر مبنای اطوار باطنی انسان نفس، قلب و روح و وجوه سه‌گانه فعل، صفت و ذات؛ سه قسم قیامت صغرا، وسطا و عظما را ترسیم می‌نماید یعنی بر مبنای معرفت‌شناسی تثلیثی تقسیم می‌کند. سیدحیدر با ارائه تعریف جامع و دقیقی از قیامت مراتب آن را نیز به تفصیل - دوازده و دوازده قسم - بیان کرده است اما میرسیدعلی بدون ارائه تعریف دقیقی از قیامت مراتب آن را به اجمال - چهار و سه قسم - بیان کرده است.

از آنجا که سیدعلی پیر و مرشد طریق است در مباحث قیامت‌شناسی خود تلاش می‌کند تا نفس سالک را با یقظه و توبه متوجه آثار و نتایج اعمال دنیوی و نقش آنها در ساختن حیات ابدی و سعادت و شقاوت اخروی کند تا از این رهگذر موجبات اشراق نفس سالک جهت ورود به مراتب قیامت صغرا، وسطا و کبرا و کسب درجات جنت افعال، جنت صفات و جنت ذات و حصول فناء فی الله و بقاء بالله را فراهم آورد؛ یعنی مطالب ایشان بیشتر جنبه سلوکی، تربیتی و کاربردی دارد تا جنبه نظری؛ در حالی که سیدحیدر آملی به عنوان یک نظریه‌پرداز بزرگ شیعی با دقت و هنرمندی تمام مباحث و مطالب ناب و بدیعی را ابداع کرده است هرچند در مطالب ایشان رنگ و بوی عرفان عملی و اخلاق عرفانی سلوکی کمتر مشاهده می‌شود؛ عنی رویکرد ایشان به قیامت رویکردی نظری است در حالی که رویکرد میرسیدعلی سلوکی و عملی است.

### تناظر اقسام قیامات

تناظر اقسام قیامات در دیدگاه‌های دو عارف به شرح زیر است:

الف) قیامت صغرای میرسیدعلی در دیدگاه اول با قیامت انفسی صوری صغرای سیدحیدر در دیدگاه اول و قیامت صغرای معنوی اهل طریقت سیدحیدر در دیدگاه دوم متناظر است.

ب) قیامت وسطای میرسیدعلی در دیدگاه اول با قیامت صغرای خودش در دیدگاه دوم و قیامت انفسی معنوی وسطای سیدحیدر در دیدگاه اول و قیامت وسطای معنوی اهل طریقت سیدحیدر در دیدگاه دوم متناظر است.

ج) قیامت عظمای میرسیدعلی در دیدگاه اول با قیامت وسطای خودش در دیدگاه دوم و قیامت انفسی معنوی وسطای سیدحیدر در دیدگاه اول و قیامت کبرا معنوی اهل طریقت در دیدگاه دوم متناظر است.

د) قیامت کبرای میرسیدعلی در دیدگاه اول با قیامت عظمای خودش در دیدگاه دوم و قیامت انفسی معنوی وسطای سیدحیدر در دیدگاه اول و قیامت کبرای معنوی اهل طریقت در دیدگاه دوم متناظر است.

### نتیجه‌گیری

رستاخیز و قیامت یکی از مراحل معاد است. قیامت از ماده قیام، به معنای خیزش و برخاستن انسان از خاک و حضور در عالم پس از مرگ است. در دیدگاه عارفان مسلمان، معاد به طور کلی به معنای بازگشت به سوی خدا از طریق رفع تعینات و ازاله قیودات و حجاب‌هایی است که انسان‌ها در قوس نزول و نهایتاً استقرار در حضرت ناسوت و نشأه طبیعت، بدان گرفتار شده‌اند.

در لسان عرفا، قیامت برانگیختن بعد از موت به سوی حیات ابدی است و دارای سه قسم صغرا، وسطا و کبرا می‌باشد. از دیدگاه سیدحیدر آملی حقیقت قیامت عبارت است از رجوع عالم، به همان مبدایی که از آن صدور و ظهور یافته‌است به نحو صوری (ظاهری) و معنوی (باطنی)؛ از دو منظر، مراتب قیامت را تبیین می‌کند. در منظر اول بر مبنای آفاق و انفس و در منظر دوم بر مبنای اهل طریقت و حقیقت و لحاظ نمودن مراتب صوری و معنوی و صغرا، وسطا و کبرا در هر تقسیم دوازده مرتبه ترسیم می‌نماید.

میرسیدعلی همدانی، دو نوع تقسیم برای مراتب قیامت انجام داده‌است در تقسیم نخست به اعتبار مراتب چهارگانه حیات و در تقسیم دوم به اعتبار اطوار سه‌گانه انسان تبیین شده‌است. از منظر نخست، مطابق مراتب چهارگانه حیات (صوری، معنوی، طبیه و حقیقی) قیامت نیز چهار مرتبه دارد. از آنجا که هر مرتبه از حیات غایت دارد به همین سبب متناظر با هر یک از حیات‌های چهارگانه قیامتی متصور است. قسم دوم قیامت، با توجه به مراتب اطوار سه‌گانه نفس، قلب و روح و وجوه ثلاثه فعل، صفت و ذات انسان، سه قسم قیامت صغرا، وسطا و عظما را تبیین می‌نماید.

بامقایسه دیدگاه‌های دوگانه دو عارف بزرگ شیعه در مراتب قیامت وجوه اشتراک و افتراق و امتیازات هریک بر دیگری مشخص می‌شود از حیث مینا، مبنای سیدحیدر در تقسیم مراتب قیامت، معرفت‌شناسی تثلیثی (شریعت، طریقت و حقیقت) و مراتب صغرا، وسطا و کبراست در حالی که میرسیدعلی در دیدگاه نخست بر مبنای معرفت‌شناسی مربعی اسرار نقطه و عدد چهار مراتب قیامت را تقسیم می‌نماید، اما در دیدگاه دوم بر مبنای اطوار باطنی انسان \_ نفس، قلب و روح \_ و وجوه سه‌گانه فعل صفت و ذات؛ سه قسم قیامت را ترسیم می‌نماید یعنی بر مبنای معرفت‌شناسی تثلیثی تقسیم می‌کند. سیدحیدر با ارائه تعریف جامع و دقیقی از قیامت مراتب آن را نیز به تفصیل در دو دیدگاه-دوازده و دوازده قسم- بیان کرده‌است اما میرسیدعلی بدون ارائه تعریف دقیقی از قیامت، مراتب آن را به اجمال در دو دیدگاه - چهاروسه قسم- بیان کرده‌است. از آنجا که سیدعلی پیر و مرشد طریق است در مباحث قیامت شناسی خود تلاش می‌کند تا نفس سالک را با یقظه و توبه متوجه آثار و نتایج اعمال دنیوی و نقش آن‌ها در ساختن حیات ابدی و سعادت و شقاوت اخروی کند تا از این رهگذر موجبات اشراق نفس سالک جهت ورود به مراتب قیامات سه‌گانه و کسب درجات جنات ثلاثه و حصول فناء فی الله و بقاء بالله را فراهم آورد؛ یعنی مطالب ایشان بیشتر جنبه سلوکی، تربیتی و کاربردی دارد تا جنبه نظری؛ در حالی که سیدحیدر آملی به عنوان یک نظریه‌پرداز بزرگ شیعی با دقت و هنرمندی تمام مباحث و مطالب ناب و بدیعی را ابداع کرده‌است هرچند در مطالب ایشان رنگ و بوی عرفان عملی و اخلاق عرفانی سلوکی کمتر مشاهده می‌شود؛ زیرا رویکرد ایشان به قیامت رویکردی نظری است در حالی که رویکرد میرسیدعلی سلوکی و عملی است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع و مأخذ:

### \*قرآن کریم

۱. ابن منظور، محمد(۱۴۱۴ق)، لسان العرب، دوم، بیروت، دارصادر.
۲. آملی، سیدحیدر، (۱۳۸۲)، أنوار الحقیقه و أطوار الطریقه و أسرار الشریعه، اول، قم، نور علی نور.
۳. ---، ---، (۱۴۲۲ق)، تفسیر المحيط الاعظم والبحرالخصم، سوم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۴. ---، ---، (۱۳۶۸)، جامع الأسرار و منبع الأنوار، اول، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
۵. حسینی شاهرودی، سید مرتضی؛ فرضعلی، فاطمه، (۱۳۹۳)، شماره ۵۷، ذهن.
۶. عباسی، محمدباقر؛ مردانی، محسن، (۱۳۹۵)، شماره ۵۸، اندیشه دینی.
۷. فناری، محمد حمزه (۲۰۱۰م)، مصباح الانس بین المعقول والمشهود، اول، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۸. قیصری، داود (۱۳۷۵)، شرح فصوص الحکم، اول، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۹. کاشانی، عبد الرزاق (۱۴۲۶ ق)، اصطلاحات الصوفیه، اول، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۰. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، ج دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۱. همدانی، میرسیدعلی، (۱۳۸۸)، اسرار النقطه، ترجمه محمد خواجهی، سوم، تهران، مولی.
۱۲. ---، ---، رساله خواص اهل باطن، رساله چاپ نشده.
۱۳. ---، ---، رساله وجودیه، رساله چاپ نشده.

## A Comparative Study of the Levels of Resurrection from Seyyed Heidar

Amoli's and Mir Seyed Ali Hamedani's Point of View

Sirus Morady, Mohammad Ebrahim Maalmir\*, Esmail Mansury Larijany

PhD Student, Sufism and Islamic Mysticism, Faculty of Law, Theology and Political

Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Razi University,

Kermanshah, Iran. \* Corresponding Author, dr\_maalmir@razi.ac.ir

Associate Professor, Department of Islamic Mysticism, Science and Research Branch,

Islamic Azad University, Tehran, Iran

### Abstract

Resurrection and Ma'ad are among the basic and important issues of Islamic mysticism. In different eras, mystics have spoken in some way about the truth, its types, levels, and its quality. Accordingly, this documentary study has comparatively studied the levels of resurrection from the perspective of Seyyed Heidar Amoli and Mirsīd Ali Hamedani, two great Shia mystics - eighth century AH - and has concluded that Seyyed Heidar based on trinitarian epistemology and the principles of mystical ontology and anthropology have been considered, analyzed and studied the levels of resurrection and have been divided into two types and for each type, it has been drawn twelve times. Mir Seyed Ali first draws and explains the fourfold resurrection based on the square epistemology of the secrets of point and number four, then divides, analyzes and examines the three types of resurrection based on the trinity epistemology and inner esoteric man. Amoli has a theoretical approach but Seyyed Heidar Amoli, as a great theorist of Shiite mysticism in analyzing the levels of resurrection, has a theoretical approach but Hamedani as a Murshid (Master), has actually a practical and educational approach to the issue.

Keywords: Resurrection, formal, spiritual, psychic, Seyyed Heidar Amoli, Mir Seyyed Ali Hamedani